

## بررسی و مقایسه ترکیبات جفتی در زبان‌های فارسی و قرقیزی

نورگل شایدولایوا<sup>۱\*</sup>، عباسعلی وفایی<sup>۲</sup>، ضیاءالدین تاج‌الدین<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup>دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

آستاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

آستاد زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۹۴/۲/۱۳ ؛ تاریخ دریافت: ۹۴/۵/۸

### چکیده

ترکیبات جفتی در زبان فارسی و قرقیزی مشترکات و تفاوت‌های بسیاری دارند و در هر دو زبان با ترکیبات مختلفی از جمله ترکیبات پیرو، هم‌پایه، کسره اضافه، مجانب و حرف اضافه آمده است. در این تحقیق، ترکیبات بر اساس طبقه‌بندی اجزای سخن، بومی یا غیر بومی بودن و تعداد اجزای تشکیل دهنده‌ی آن‌ها به صورت مجزا در دو زبان فارسی و قرقیزی بررسی شده‌اند و نتیجه گرفته شد که ترکیبات جفتی در زبان فارسی ترکیبی دوتایی و در زبان قرقیزی واژه‌ای دوتایی محسوب می‌شوند. بنابراین، به تبع آن در بررسی تقسیم‌بندی‌های صرفی، در زبان فارسی زیر مجموعه ترکیبات و در زبان قرقیزی زیر مجموعه واژه‌های مرکب هستند. در این ترکیبات گاهی واژه‌های غیر بومی دیده می‌شود که در زبان فارسی این واژه‌های غریب به طور متوسط از چهار زبان و در زبان قرقیزی از شش زبان و یا بیشتر گرفته شده است. شیوه‌ی نوشتار این واژه‌ها در زبان قرقیزی با خط فاصله (-) میان دو واژه است و حال آنکه در فارسی چنین نیست.

**واژه‌های کلیدی:** ترکیبات جفتی، واژه‌های جفتی، ترکیبات تبعی، ترکیبات هم‌پایه، زبان فارسی، زبان قرقیزی.

## مقدمه

مسئله "ترکیبات جفتی"<sup>۱</sup> در زبان قرقیزی به‌طور وسیع مورد بررسی پژوهشگران قرقیزی قرار گرفته و این در حالی است که پژوهشگران ایرانی تنها در ضمن بحث ترکیبات، ذیل مباحث دستوری در کتاب‌های دستور زبان فارسی به این مسئله اشاره‌ای گذرا کرده‌اند؛ لذا، اساس کار در این مقاله، منابع زبان‌شناسان روس در مورد ترکیبات جفتی در دستور زبان فارسی است و از منابع فارسی تنها برای انتخاب اصطلاحات و عناوین استفاده شده است. با توجه به منابعی که از نظر گذرانده شد، نگارنده به این نتیجه رسید که محققان روس به مسئله‌ی "کاپولاتیف" یا ترکیبات جفتی در زبان فارسی به عنوان یک پدیده مستقل پرداخته‌اند. در بررسی ترکیبات جفتی در دستور زبان قرقیزی از تحقیقات زبان‌شناسانی که در عرصه خانواده زبان‌های ترکی کار کرده‌اند و همچنین از پژوهش‌های خود زبان‌شناسان قرقیزی بر روی این مسئله استفاده شده است.

از آنجایی که ترکیبات جفتی در زبان قرقیزی با ترکیبات جفتی در زبان فارسی از لحاظ ساختاری تفاوت‌های اندکی دارد، لذا نگارنده برای رعایت دقت اثر، از آوردن معنای اصطلاحی آن به زبان فارسی در عنوان خودداری کرده است.

## پیشینه‌ی تحقیق

از میان پژوهش‌های انجام شده در باره ترکیبات جفتی می‌توان به روبینچیک اشاره کرد که کتاب "مبانی اصطلاحات زبان فارسی" (Rubinchik: ۱۹۸۱) او را مرحله‌ای جدید در مطالعه و بررسی مسئله ترکیبات مستقل نامیده‌اند. روبینچیک همچنین بخش "ترکیبات" فصل سوم کتاب "دستور زبان ادبی معاصر فارسی" (Rubinchik: ۲۰۰۱) را با مطرح کردن سوال "آیا ترکیبات هم‌پایه/گروه همپایگی ممکن است؟" آغاز می‌کند؛ به نظر روبینچیک، رابطه‌ی همپایگی در نحو را روابطی می‌گویند که عناصر ترکیبی در آن نقش برابر نحوی داشته باشند و هیچ‌یک به دیگری وابسته نباشند. در اینجا، بحثی درباره‌ی صحت اطلاق گروه یا ترکیبات جفتی به کلماتی که به کمک رابطه‌ی همپایگی به یکدیگر متصل شده‌اند، پیش می‌آید. چرا که این ترکیبات حاصل گسترش یک کلمه اصلی به کمک کلمات دیگر نیست و عنصر اصلی (محوری) و سازه‌ی وابسته در آنها وجود ندارد. بنابراین، در زبان فارسی گروه‌های هم‌پایه یا ترکیبات جفتی، گروه‌های کوچکی از کلمات مترادف را تشکیل می‌دهند (Rubinchik: ۲۰۰۱: ۳۶۲). این طرح پرسش و نظر روبینچیک، امکان بررسی ترکیبات جفتی در زبان فارسی را برای پژوهشگر دیگر، طالب‌اوا (Talibova: ۲۰۰۲) فراهم کرد و او در تحقیق خود به این

۱. copulative: واژه‌ها یا ترکیبات هم‌پایه / دوتایی و یا دونوا (dvandva) (و یا جفتی/ دوگانه‌ای)

نتیجه رسید که ترکیبات جفتی در زبان فارسی اغلب ترکیب دو کلمه مترادف هستند که به تنهایی می‌توانند برای ساخت جمله و زیبایی و برجستگی سبکی سخن مورد استفاده قرار گیرند. سیت خلیل‌اوا (Seyetkhalilova: ۲۰۱۳) به بررسی ترکیبات جفتی در اثر "بوف کور" صادق هدایت پرداخته است. در این تحقیق نزدیک به ۵۰ نوع مختلف ترکیبات جفتی را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده است که این اثر سرشار از ویژگی‌های دستوری و سبکی خاص است و یکی از آن‌ها ترکیبات جفتی است. در این اثر ترکیبات جفتی اسمی، صفتی، قیدی و فعلی وجود دارد و در این میان ترکیبات جفتی اسمی و صفتی بیشتر از قیدی و فعلی به کار رفته است و در این ترکیبات حرف عطف "و" نقش متصل‌کننده واژه‌های جفت یا مترادف را ایفا می‌کند (Seyetkhalilova: ۲۰۱۳: ۴۲۲).

ترکیبات جفتی یا "واژه‌های جفتی" در زبان قرقیزی زیر مجموعه واژه‌های مرکب است و پژوهشگران متعددی به بررسی آن پرداخته‌اند. اولین اطلاعات مختصر در مورد واژه‌های مرکب در آثار بنیانگذار زبان‌شناسی زبان قرقیزی پروفسور تینیستانف (Tynistanov) مشاهده می‌شود، به خصوص در کتاب "زبان ما" (Tynistanov: ۱۹۲۷: ۸۰-۷۶) در بخش "واژه‌ها و پایان کلمات" به بررسی واژه‌های جفتی پرداخته است. پس از آن، در کتاب "صرف زبان قرقیزی" (Bakeyev, Baktybayev: ۱۹۳۹: ۳۳-۳۴) بررسی واژه‌های مرکب و زیر مجموعه آن واژه‌های جفتی صورت گرفته است. در این اثر، به صورت مختصر در مورد یکی از انواع واژه‌های مرکب تعریفی آورده که مطابق آن واژه‌های جفتی متشکل از دو کلمه است و بخش دوم ترکیب بی‌معنی است. اورایماف (Uraimov: ۲۰۱۶) در پژوهش خود به بررسی تحقیقات انجام شده در خصوص واژه‌های مرکب پرداخته و در آن به نیاز انجام بررسی‌های بیشتر واژه‌های مرکب و جفتی اشاره کرده است. اروزبایوا (Oruzbayeva: ۱۹۹۵) در اثر خود به بررسی ترکیبات نحوی، واژه‌های مرکب و واژه‌های جفتی پرداخته و در مورد واژه‌های جفتی در زبان‌های ترکی، قرقیزی و طبقه‌بندی آن‌ها صحبت کرده است. در تحقیق حاضر، کار اروزبایوا برای بخش واژه‌های جفتی در زبان قرقیزی مورد استفاده قرار گرفته است.

پیشینه‌هایی که ذکر آنها رفت کارهای مجزایی درباره ترکیبات جفتی در زبان فارسی و قرقیزی را نشان دادند. در پژوهش حاضر ما بر آنیم تا به گونه‌ی مقایسه‌ای و به شیوه توصیفی-تحلیلی، ترکیبات جفتی را در دو زبان فارسی و قرقیزی مورد بررسی قرار دهیم.

### هدف تحقیق

هدف از این تحقیق بررسی و مقایسه ترکیبات جفتی در دو زبان فارسی و قرقیزی است که به وسیله تحلیل و توصیف انجام شده است.

### تعریف ترکیبات جفتی

در مقاله حیات داوودی (۲۰۱۱: ۵۵-۵۴) در مورد ترکیبات جفتی چنین تعریفی آورده شده است: "ترکیبات دوندوا/دوتایی شامل دو هسته معنایی هستند، بدین معنا که عنصری با نقش ترکیبی و هسته معنایی دارا می‌باشد" و در جای دیگری می‌گوید "هر عنصر دارنده جنبه‌های معنایی ترکیبی است".

در مقاله‌ی رزمیده (۱۳۹۴: ۴۳-۴۲) به ترکیبات جفتی چنین اشاره شده است: "کلمات مرکب هم‌پایه در منابع به نام‌های دیگری چون کلمات دوندوا<sup>۱</sup> و کلمات مرکب عطفی<sup>۲</sup> نیز خوانده شده‌اند. این دسته از ترکیب‌ها، واحدهای شبه کلمه‌ای به شمار می‌روند که نشان‌دهنده‌ی هم‌پایگی طبیعی<sup>۳</sup> هستند بدین معنی که دو عنصر تشکیل دهنده‌ی آن به لحاظ معنایی مفاهیمی مرتبط (واحدهای مفهومی) به شمار می‌روند و در یک سطح سلسله مراتبی واقع شده‌اند و معنای کلّ ترکیب عمومی‌تر از معنی اجزاء تشکیل دهنده‌ی آن است.

در مقاله عاصی و بدخشان (۱۳۸۹) برای ترکیبات جفتی معنای "ربطی" و "متوازن/دوندوا" را به کار برده‌اند. همچنین در دستور زبان پارسی دکتر فاضل<sup>۴</sup> از معادل فارسی "هم‌نشانی" استفاده شده است.

### تاریخچه زبان‌های فارسی و قرقیزی

زبان‌های ایرانی شاخه‌ای از خانواده زبانی «هند و اروپایی» است. هند و اروپایی به اقوامی اطلاق می‌شود که در روزگاری بس کهن در نواحی واقع در جنوب سرزمین روسیه‌ی امروزی، در دشت‌های سیبری، دریاچه آرال، شمال بحر خزر و شمال قفقاز می‌زیستند. به‌طور کلی زبان فارسی به سه دوره تقسیم می‌شود: دوره باستان، دوره میانه و دوره جدید.

از میان زبان‌های ایرانی دوره جدید زبان «فارسی دری» که یکی از زبان‌های رایج در ایران بود به عنوان زبان رسمی شناخته شد. این زبان دنباله‌ی طبیعی زبان «فارسی میانه» است که اصطلاحاً «پهلوی» خوانده می‌شود. در دوره جدید برای نوشتن «فارسی دری» از خط عربی استفاده می‌شود که از نظر منشأ با خطوط ایرانی در دوره‌ی میانه تفاوت چندانی ندارد. زبان‌شناسان دوره‌ی فارسی جدید

- 
1. Dvandva
  2. Copulative compounds
  3. Natural Coordination
  4. [http://www.dastur.info/?page\\_id=158](http://www.dastur.info/?page_id=158)

را از قرن چهارم مقارن با قرن دهم میلادی به حساب می‌آورند و آن را دوران هزار ساله‌ی فارسی جدید می‌خوانند (خواجات، بختیار، ۱۳۸۸: ۱۶-۱۵).

طبق ماده پنج قانون اساسی قرقیزستان زبان رسمی این کشور قرقیزی است. زبان قرقیزی از خانواده زبانی «ترکی» از شاخه‌ی ترکی شمال مرکزی و متعلق به گروه زبان‌های قپچاق است.

زبان قرقیزی سه مرحله تاریخی را گذرانده است:

- ۱) قرقیزی قدیم تا قرن ۹ میلادی؛
- ۲) قرقیزی میانه (از قرن ۱۰-۱۵)؛
- ۳) قرقیزی جدید بعد از قرن ۱۵ میلادی.

زبان قرقیزی امروز دارای سه گروه گویش عمده‌ی شمالی، جنوب شرقی و جنوب غربی است. زبان ادبی جدید قرقیزی که در دوران حکومت «شوروی» توسعه یافته، ترکیبی از ویژگی‌های تمام گویش‌ها، بیشتر با تمایل به گروه گویش‌های شمالی است.

زبان قرقیزی تا سال ۱۹۲۴ دارای الفبای عربی بوده ولی الفبای عربی نتوانست تمام ساختار آواشناسی زبان قرقیزی را منعکس کند و در سال ۱۹۲۸ الفبای عربی جای خود را به الفبای لاتین داد. از سال ۱۹۴۱ در «جمهوری قرقیزستان» الفبای سیریلیک مانند جمهوری‌های دیگر «شوروی» رسمیت یافت و ۳۰ می سال ۱۹۵۳ متن جدید املائی قرقیزی تصویب شد (موسی‌یف (Musaev) ۱۹۸۴: ۱۲۵). واضح الفبای قرقیزی دانشمندی به نام **ایشن‌علی آرابایف** بوده است.

الفبای قرقیزی ۳۶ حرف دارد که سه مصوت (حروف صدادار) و یک صامت (حرف بی‌صدا) آن ویژه‌ی زبان قرقیزی‌اند که در هیچ یک از دو زبان فارسی و عربی وجود ندارد. آن چهار حرف عبارت‌اند از:

۱. [ü] ү : күмүш [kümüš] نقره؛
۲. [ö] ө : сөз [söz] سخن؛
۳. [ɨ] ы : бычак [bɨʃak] چاقو؛
۴. [ɨ] ң : тең [teŋ] مساوی.

### بررسی ترکیبات جفتی در زبان فارسی

در زبان فارسی "شناسایی ترکیبات" اهمیت بسیار زیادی دارد؛ زیرا نقش/عملکرد نحوی<sup>۱</sup> اجزاهای ترکیب را نمی‌توان از روی شکل واژه تشخیص داد (آرندس (Arends) ۱۹۴۱: ۳). به‌طور کلی، در زبان

1. Syntactic function

تحلیلی<sup>۱</sup> ترکیب، ساختار یکپارچه‌تری دارد تا در زبان پیوندی<sup>۲</sup> و تصریفی<sup>۳</sup>. واژه‌های زبان تحلیلی با تکیه بر پیرامون واژگانی<sup>۴</sup> خود، حوزه‌ی معنایی<sup>۵</sup> اجزای ترکیب را محدود و مشخص می‌کند. زبان فارسی از لحاظ خاصیت‌های جانشینی<sup>۶</sup> و همنشینی<sup>۷</sup> به زبان‌های تحلیلی و پیوندی تعلق دارد و معنای دستوری واژه از طریق ارتباط آن با دیگر واژه‌های اجزای ترکیب تشخیص داده می‌شود. پیسیکف اعتقاد دارد که «علاوه بر آن، گاهی معنای واژگانی<sup>۸</sup>، با وجود مستقل بودن آن، از طریق ارتباط آن با واژه‌های کنار هم گذاشته شده (اجزای ترکیب) آشکار می‌شود» (Peisikov: ۱۹۵۹: ۴). بنابراین، هنگام بررسی نحو<sup>۹</sup>، همیشه مسئله‌ی پیوند<sup>۱۰</sup> اجزای ترکیب در مرکز توجه بوده است.

پیش از پرداختن به بحث اصلی ترکیبات جفتی در زبان فارسی جهت آشنایی بیشتر با ترکیبات، ناگزیر انواع ترکیبات پیرو/تبعی را مورد بررسی مختصر قرار می‌دهیم.

### ترکیبات پیرو/تبعی<sup>۱۱</sup>

در زبان فارسی سه گونه ترکیب با رابطه پیرو (تبعی) به قدر کافی بررسی شده است، مانند:

۱. ترکیب به وسیله کسره اضافه

کلمه‌ی هسته/پایه<sup>۱۲</sup> در ابتدا می‌آید و بعد واژه‌ی پیرو یا وابسته<sup>۱۳</sup> می‌آید که با کسره‌ی اضافه – نشانه‌ی دستوری بدون ضربه‌ی صوتی یا بدون تکیه‌ی صدا [e] (اگر بعد از مصوت بیاید [ye]) – به هم پیوند می‌خورد. برای مثال: میز تحریر، کاغذ سفید، ارث پدر، هوای دریا، صندلی دبیر.

۲. ترکیب به وسیله حرف اضافه<sup>۱۴</sup>

- 
1. Analytic language
  2. Inflected language
  3. Synthetic language
  4. Lexical field
  5. Semantic field
  6. Paradigmatic
  7. Syntagmatic
  8. Lexical meaning of word
  9. Syntax
  10. Synthesis
  11. Subordinate phrases
  12. Head
  13. Adjunct
  14. Prepositional phrase

کلمه پایه در ابتدا و کلمه‌ی پیرو پس از آن می‌آید که با حروف اضافه از، با، بر، به و در پیوند می‌خورد که این حروف به ترکیب، معنای خود را وارد می‌کنند. برای مثال: دفاع از میهن، مبارزه با بی‌سوادی، دایر بر پشتیبانی، سفر به تهران، دانش‌آموز در کلاس.

۳. ترکیب مجانب (ترکیب بدون گروه‌های وصل‌کننده‌ی اضافی)

در این نوع ترکیب واژه‌ی پیرو در آغاز واژه و واژه‌ی پایه/هسته - بدون گروه‌های وصل‌کننده مانند تکواژ، حروف و یا کسره‌ی اضافه - پس از آن می‌آید. مثال: این دانشجو، نامه نوشتن، بهترین رفیق. از مثال‌های بالا می‌توان دید که ترکیبات پیرو/تبعی با به هم پیوستن دو واژه یا بیشتر طبق سه روش بالا به دست می‌آید.

### ترکیبات هم‌پایه دوندوا/جفتی

طبق منابعی در زمینه ترکیبات در زبان فارسی که از نظر گذرانده شد، انواع ترکیبات در زبان فارسی به گونه‌های بالا محدود نمی‌شود.

در زبان فارسی در برابر ترکیبات پیرو/تبعی، ترکیبات هم‌پایه با رابطه‌ی دستوری دوندوا یا دوتایی - که نقش مهمی در تشکیل نحوی و سبکی متن دارند - وجود دارد. اجزای این گروه از ترکیب‌ها عمدتاً مترادف‌هایی هستند که با حرف ربط با یکدیگر ترکیب شده‌اند.

برخلاف دیگر ترکیبات، در ترکیبات دوندوا یا دوتایی ارتباط خاصی میان واژه‌های ترکیب شده وجود ندارد، یعنی جزء پایه و پیرو نداریم. واژه‌هایی که در این نوع ترکیب وارد می‌شوند به یک گروه دستوری مربوط می‌شوند و در اجزای جمله به آسانی مشخص می‌شوند. حداقل تعداد اجزای تشکیل دهنده‌ی ترکیبات هم‌پایه دو تا است. به همین دلیل می‌توان در متن‌های زبان‌شناختی با اصطلاحاتی مانند "کلمات جفتی/دوتایی"، "ترکیبات جفتی" برخورد کرد.

اگر چه باید در ترکیبات پیرو/تبعی حتماً واژه‌های هسته/پایه مشخص شود اما در ترکیبات هم‌پایه هر یک از اجزا معنای واژگانی مستقل خود را حفظ می‌کند؛ ضمناً اجزای آن از یکدیگر مستقل هستند و به یکدیگر وابستگی ندارند. این گونه ترکیبات در نقش دستوری خود تابع نیستند اما در سطح معنایی ترکیب، واژه‌های توأم شده تصادفی نیستند و در عمل دارای یک معنای واحد هستند. در ترکیبات هم‌پایه، ظاهراً می‌توان در مورد تبعیت در سطح‌های معنایی و نحوی صحبت کرد. برای مثال: رنج و زحمت، بخت و اقبال، لازم و ضروری.

همانگونه که از مثال‌های بالا مشاهده می‌شود، ترکیب‌ها از جفت‌های مترادف به وجود می‌آیند.

### طبقه بندی ترکیبات جفتی/دوندوا بر اساس اجزای سخن

اسم‌ها: ماچ و بوسه، جان و دل.

صفت‌ها: بزرگ و بی حساب، تمیز و مرتب.

قیده‌ها: مات و مبهوت، علناً و بی پرده.

صفت‌های مشتق از بن فعل: خسته و فرسوده، خسته و درمانده.

مشخص است که ترکیب واژگانی زبان فارسی متشکل از کلمات بومی فارسی و وام‌واژه‌هایی است که از دیگر زبان‌ها گرفته شده است؛ در طی سالیان استعمال زبان فارسی با در کنار هم قرار گرفتن وام-واژه‌ها با واژه‌های بومی و همکاری متقابل آنان با یکدیگر، استفاده‌ی مشترک آنها به عنوان یک پدیده‌ی عادی و واحد پذیرفته شده است.

### طبقه‌بندی ترکیبات جفتی/دوندوا از جهت بومی یا غیر بومی بودن واژه‌ها

اجزای ترکیبات دوندوا/جفتی هم‌پایه را می‌توان بر اساس اینکه از چه زبان‌هایی گرفته شده است

این چنین طبقه‌بندی کرد:

فارسی: تلاش و کوشش، پاک و سفید.

عربی: واقعیت و حقیقت، ضبط و ثبت.

عربی و فارسی و یا فارسی و عربی: مهر و محبت، التماس و خواهش.

وام‌گیری از زبان‌های دیگر، اروپایی: مسابقه و کنکور، گردشگر و توریست.

ترکیبات جفتی آزاد مانند ترکیبات ثابت (پایدار) دوباره تجدید نمی‌شوند و اجزای ترکیبی آنها دائمی نیستند. معمولاً واژه‌ی دارای معنای متعدد با یکی از معناهای خود وارد ترکیب می‌شود و معنی آن از طریق جزء دیگر ترکیب مشخص می‌شود.

مثلاً، کلمه "رنج" دارای معنای متعدد است: (۱) زحمت، تلاش؛ (۲) درد، غم، عذاب، اندوه؛ (۳) آزار، دلخوری، رنجش و عذاب است. در ترکیب‌های زیر معنای آن به وسیله‌ی جزء دوم ترکیب آشکار می-

شود: رنج و زحمت – "زحمت"؛

رنج و غصه – "اندوه"؛

رنج و عذاب – "عذاب"

با توجه به آنچه که از مثال‌های بالا بر می‌آید، اجزای ترکیبات جفتی هم‌پایه متشکل از واژه‌هایی است که از یک مقوله‌ی دستوری و یک حوزه‌ی معنایی هستند. این اجزا با یک مفهوم عمومی و یک لحن و تصویر به هم پیوند می‌خورند.



بنابراین، ترکیبات هم‌پایه در زبان فارسی مجموعه‌ای از واژه‌های مستقل است که با حرف ربط "و" یا "وَ" (va/o) با یکدیگر پیوند می‌خورند. در اصل به وجود آمدن چنین ترکیب‌هایی، بر اساس الگوی نحوی "واژه + حرف ربط + واژه + ..." است.

حرف ربط "وَ" یا "وَ" (va/o) در دستور زبان فارسی واو عطف نامیده می‌شود که در زبان فارسی باستان "utā" و در زبان فارسی میانه "u"، "o" و یا "ud" تلفظ می‌شد. در زبان فارسی معاصر، واو عطف جزء حتمی و لازم ترکیبات جفتی هم‌پایه است. بسته به اینکه جزء پسین با صامت یا مصوت شروع می‌شود "وَ" یا "وَ/یا" تلفظ می‌شود. اگر جزء اول واژه پسین به مصوت ختم شود "وَ/یا" و اگر به صامت ختم شود "وَ" تلفظ می‌شود. مانند: آرام و قرار، پوشیده و مخفی.

### طبقه‌بندی ترکیبات جفتی از لحاظ تعداد اجزای تشکیل‌دهنده آن

ترکیبات جفتی هم‌پایه می‌توانند متشکل از دو یا چند واژه باشند:

**دو واژه:** کاربرد وسیع ترکیبات جفتی دوجزئی، چه در زبان فارسی نوشتاری و چه گفتاری بسیار زیاد است. مانند: هدف و مقصد، نظم و ترتیب.

**سه واژه:** مانند: موقعیت و اوضاع و احوال، اقوام و قبیله و طایفه.

**چهار واژه:** مانند: جنگ و دعوا و نزاع و کتک کاری، حق و حقیقت و صلاح و انسانیت.

اگر ترکیبات کلمات با رابطه‌ی دستوری دوندوا یا دوتایی را از نظر ترکیبات بررسی کنیم می‌توان قید کرد که ترکیبات جفتی هم‌پایه مانند هر ترکیبی:

- نه واژه است و نه جمله؛
- به چند کلمه‌ی مستقل تقسیم می‌شود؛
- اکثراً از دو جزء تشکیل می‌شود؛
- خود پایه‌ای برای ساخت جمله می‌باشد؛
- نتیجه‌ی جاذبه‌ی (کشش) معنایی واژه‌های مترادف است.

### طبقه‌بندی روبینچیک

روبینچیک (Rubinchik: ۲۰۰۱)، ترکیبات جفتی را یک مرحله‌ی جدید در مطالعه و بررسی ترکیبات هم‌پایه می‌داند. روبینچیک (۲۰۰۱: ۱۶۰) بیان می‌کند که ترکیبات جفتی<sup>۱</sup> از لحاظ ارتباط

اجزا ما را به یاد ترکیبات هم‌پایه می‌اندازند که از طریق هم‌تاسازی و واژه‌های مترادف به دست می‌آیند. او روش ساخت ترکیبات جفتی را به سه دسته زیر تقسیم‌بندی می‌کند:

۱. کلماتی که در یک حوزه معنایی هستند که یا به وسیله حرف اضافه یا کسره‌ی اضافه با یکدیگر ترکیب می‌شوند، مثل کت و شلوار [kotošalvār]، البته گاهی این کسره اضافه و حرف اضافه تبدیل به یکدیگر می‌شوند: جستجو = جستجو [jostju = josteju] یا [jostju = josteju]، و گاهی بدون کسره‌ی اضافه و حرف اضافه می‌آید، مثل کت شلوار [kotšalvār]، تاریخ روشن [tārikrowšan].
۲. ترکیبات دوندوا/جفتی به وسیله تکرار کامل مثل: رفته رفته، سوراخ سوراخ.
۳. ترکیبات دوندوا/جفتی به وسیله تکرار ناقص مثل: شیک و پیک.

### بررسی ترکیبات جفتی در زبان قرقیزی

در زبان قرقیزی واژه‌ها به دو دسته‌ی ساده و مرکب تقسیم می‌شوند. واژه‌های ساده کلماتی هستند که در اجزای صرفی<sup>۱</sup> دارای یک بن‌واژه هستند. واژه‌های مرکب واژه‌هایی‌اند که در ترکیب خود دارای دو واژه (بن‌واژه) یا بیشترند؛ اما در مجموع دارای یک معنای واژگانی هستند. واژه‌های مرکب تقسیم‌بندی می‌شوند به:

۱. واژه‌های متصل (سرهم) مانند: биртууган [birtu:γan] قوم و خویش، فامیل که از واژه‌های бир [bir] یک و тууган [tu:γan] قوم و خویش، فامیل، نزدیکان، بستگان تشکیل شده است؛ همچنین کلمه‌ی бакажалбырак [baqajalbıraq] نام قرقیزی گیاه بارهنگ یا سرده که از واژه‌های бака [baqa] قورباغه و жалбырак [jalbıraq] برگ و کلمه‌ی колжазма [koljazma] به معنی دست‌نویس که از واژه‌های кол [kol] دست و жазма [jazma] نوشته، نویسه تشکیل شده است.
۲. واژه‌های ترکیبی مانند: эл аралык [el aralıq] بین‌المللی، بین‌المللی که از واژه‌های эл [el] مردم، ملت و аралык [aralıq] میان، بین تشکیل شده همچنین төрөт үйү [töröt üyü] زایشگاه که از واژه‌های төрөө [töröö] زایمان کردن، به دنیا آوردن به اضافه پسوند "т" و үй [üy] خانه (که به معنی مکان استفاده می‌شود، مانند -ستان، -کده یا -گاه پسوندهای مکان در زبان فارسی) به اضافه ү [ü] پایان واژه نشان‌دهنده مالکیت، تشکیل شده است.
۳. واژه‌های مختصر شده مانند: БУУ (Бириккен улуттар уюму)

[BUU (birikken uluttar uyumu)] سازمان ملل متحد،

БГУ (Бишкек гуманитардык университети)

[BGU (biškeek gumanitardıq universiteti)] دانشگاه علوم انسانی بیشکک،

۴. واژه‌های جفتی (دوگانه‌ای) مانند: [aman-esen] аман-эсен [امن و امان]؛ [j. b. (jana baška)] ж.б. (жана башка) به معنی " ... و غیره".
- [kün-tün] күн-түн روز و شب (یعنی شب و روز، بیست و چهار ساعت، شبانه روز)؛ [kurt-kumurska] курт-кумурска حشره.

### تعریف و تقسیم‌بندی واژه‌های جفتی/دوتایی در زبان قرقیزی

واژه‌های جفتی/دوتایی (جفت‌واژه‌ها): واژه‌های مرکبی هستند که به یکی از اجزای سخن مربوط می‌شوند. در زبان قرقیزی (و همچنین در زبان روسی) اجزای سخن به چندین دسته تقسیم می‌شوند. یکی از دسته‌های اجزای سخن «مستقل» نامیده می‌شود که شامل اسم، صفت، عدد، ضمیر، فعل، قید و نام‌آواها می‌باشند. واژه‌های جفتی در زبان قرقیزی از لحاظ واژگانی شبیه به هم هستند و از لحاظ ارتباط نحوی مستقل از یکدیگر عمل می‌کنند، و حاصل ترکیب واژه‌های مختلف یا تکرار یک واژه می‌باشند.

در هنگام نوشتن واژه‌های جفتی، بین واژه‌های جفتی خط فاصله (-) گذاشته می‌شود، مانند [ilim-bilim] илим-билим علم و دانش، [čim-in-čirkey] чымын-чиркей معنای تحت لفظی: مگس و پشه، معنای اصطلاحی: حشرات، [kezdeme-sezdeme] кездеме-сездеме معنای تحت لفظی: پارچه مارچه، معنای اصطلاحی: پارچه‌ها، [ildam-ildam] ылдам-ылдам تند تند.

واژه‌های جفتی یکی از انواع واژه‌های مرکب هستند اما با وجود این دارای ویژگی‌های خاصی اند که امکان تقسیم آن‌ها به یک گروه خاص را می‌دهند. در زبان قرقیزی مانند هر زبانی از خانواده زبان‌های ترکی واژه‌های جفتی، متعدد هستند و در ترکیب واژگانی اجزای سخن پیدا می‌شوند. ویژگی‌های خاص ساختار صرفی واژه‌های جفتی، باعث متمایز شدن آن‌ها از واژه‌های مرکب شده است و به خاطر همین ویژگی‌ها همیشه برای محققان زبان‌های ترکی جالب بوده و هست.

أروزبایوا (Oruzbayeva: ۱۹۹۵) با توجه به ویژگی‌های واژگانی معنایی و ساختاری واژه‌های جفتی، آن‌ها را از لحاظ اهمیت واژگانی اجزای ترکیب، به طریق زیر طبقه‌بندی نموده است:

۱. واژه‌های جفتی با معنای کامل (یعنی هر دو جزء واژه‌ی جفت معنادار هستند)، مانند:

[alıš-beriš] алыш-бериш - معنای تحت لفظی: گرفتن و دادن، معنای اصطلاحی: بده بستون.

[keliš-ketiš] келиш-кетиш - معنای تحت لفظی: آمدن و رفتن، معنای اصطلاحی: رفت و آمد.

[ata-bala] ата-бала - پدر و پسر.

[aqa-ini] ага-ини - برادر بزرگ و برادر کوچک... و غیره؛

۲. واژه‌های جفتی با معنای کامل تاریخی و یا جفت‌های مترادفات (یعنی یکی از دو جزء واژه‌ی جفت، معنای لغوی قدیمی یا سابق خود را از دست داده است)، مانند:

[jaan-čaçın] жаан-чачын - معنای اصطلاحی: بارندگی (از باران و برف) این ترکیب جفتی از دو جز مترادف [jaan] жаан به معنی باران و بارندگی، که خود واژه از به هم پیوستن بن فعل [jaa] жаа یعنی باریدن (باران) و وند [n] н به وجود آمده است و جزء دوم ترکیب [čačın] чачын که این واژه اکنون معنای واژگانی مستقل ندارد به وجود آمده است. ظاهراً، [čačın] чачын حاصل ترکیب [čač] чаč که در زبان قرقیزی مرده است و وند [ın] ын است. در تأکید به این مطلب، در زبان مغولی ترکیب دوتایی/جفتی [usu-času] усу-часу وجود دارد که از اجزای [usu(n)] усу(н) به معنای آب و [času(n)] часу(н) به معنای برف تشکیل شده است.

[kiyiiz-keče] кийиз-кече به معنی نمود. این ترکیب جفتی متشکل از اجزای مترادف جزء اول [kiyiiz] кийиз نمود، در زبان قرقیزی زنده است یعنی به معنای نمود استفاده می‌شود و وجود دارد - و جزء دوم [keče] кече است که در زبان قرقیزی معنای مستقل ندارد، اما در زبان ترکی معاصر این واژه (keče) معنای کامل و مستقل دارد و به معنی نمود است.

[kübö-tanık] күбө-танык به معنی گواه، شاهد، شهود. این ترکیب جفتی متشکل از ترکیب جزء اول [kübö] күбө گواه، شاهد، که در زبان قرقیزی زنده و پرکاربرد است، (گرفته شده از "گواه" فارسی) و جزء دوم [tanık] танык که در زبان قرقیزی کاربرد مستقل ندارد و مرده به شمار می‌آید اما در زبان ترکی معاصر این واژه (tanuk) معنای کامل و مستقل دارد و به همان معنای گواه یا شاهد است.

[azık-tülük] азык-түлүк به معنی خواربار، توشه، آذوقه، ارزاق، خوراک که جزء اول این ترکیب [azık] азык پایه‌ی تاریخی برای واژه‌سازی است که از آن واژه‌های زیادی مربوط به "аш" [aš] به معنای غذا و خوراک به وجود آمده است و جزء دوم [tülük] түлүк که در زبان قرقیزی معنای واژگانی و کاربردی مستقل ندارد اما در ترکیب جفتی زبان‌های آلتایی<sup>۱</sup> - [azık-tülük] азык-түлүк به معنای خواربار، توشه، آذوقه، ارزاق، خوراک و همچنین واژه‌ی مرکب خاکاسی<sup>۲</sup> азыктүлүк [azıktülük] به همان معناها و جفت‌واژه باشغیری<sup>۳</sup> [azık-tülek] азык-түлек به همان معنی و غیره، می‌توان آن را مشاهده کرد.

1. Altai, Altaic

2. Khakass

3. Bashkir

۳. واژه‌های جفتی مکرر، مانند:

бара-бара [bara-bara] رفته رفته؛

тушма-туш [tušma-tuš] رو در رو ... و غیره.

۴. واژه‌های جفتی حاصل از تکرار ناقص و یا تکرارهای هم‌قافیه (یعنی یکی از دو جزء واژه‌ی جفتی معنی ندارد)، مانند:

сүт-мүт [süt-müt] شیر میر؛

кант-мант [kant-mant] قند مند؛

ат-мат [at-mat] اسب مسب ... و غیره.

این تکرار ناقص از دو طریق ایجاد می‌شود: ۱- از طریق تغییر واج اول با حفظ آخرین هجا، مانند сүт-мүт [süt-müt] شیر میر؛ ۲- از طریق اضافه کردن یک واج به ابتدای آن (اگر واژه با مصوت شروع شود اکثراً حروف صامتی مانند (m, p, s) به آن اضافه می‌شود)، مانند ат-мат [at-mat] اسب مسب. انواع واژه‌های جفتی در زبان قرقیزی فراتر از نمونه‌هایی است که در بالا به آن اشاره شده است اما برای اختصار از بررسی و آوردن تمامی آن‌ها صرف نظر می‌کنیم.

### نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه زبان‌های قرقیزی و فارسی از دو خانواده‌ی جدا و با ساختار متفاوت پیوندی و تحلیلی هستند، ترکیبات جفتی در زبان فارسی و واژه‌های جفتی در زبان قرقیزی به صورت مجزا بررسی شده‌اند. دست‌نویسان روسی واژه‌ی "copulative" را در زبان فارسی ترکیب دوندوا/دوتایی و دست‌نویسان قرقیزی "copulative" را در زبان قرقیزی واژه‌ی جفت/جفتی/دوتایی می‌نامند. بر اساس تقسیم‌بندی صرفی این دو زبان، ترکیبات جفتی در زبان قرقیزی زیرمجموعه‌ی واژه‌های مرکب و در زبان فارسی زیرمجموعه‌ی ترکیبات است. تفاوت ترکیبات پیرو/تبعی فارسی با ترکیبات دوندوا/جفتی هم‌پایه در این است که در ترکیبات پیرو/تبعی ما دو جزء پایه/هسته و پیرو/وابسته داریم و در آن رابطه پیرو/تبعی (صفت و موصوف یا مضاف و مضاف‌الیه) را می‌بینیم؛ به همین دلیل جزء وابسته/پیرو مفهوم جزء هسته/پایه را محدود می‌کند و تخصیص می‌دهد. اما در ترکیبات دوندوا / جفتی هم‌پایه، هر دو جزء ترکیب هم‌پایه، برابر و مستقل هستند و دو دسته واژه، یک مفهوم واحد را بیان می‌کنند و از نظر معنایی برابرند.

ترکیبات جفتی در زبان فارسی بر اساس اجزای سخن، بومی و غیربومی بودن واژه‌ها و چندجزئی بودن آنها طبقه‌بندی می‌شوند. ترکیبات دوندوا/جفتی در زبان فارسی از دو، سه یا چهار واژه به وجود می‌آیند حال آنکه در زبان قرقیزی فقط از دو واژه (جفت) تشکیل می‌شوند، چرا که واژه‌ی جفت در

زبان قرقیزی بر چیزی دلالت دارد که دو واژه با هم زوج و جفت باشند و در کنار هم بیایند. واژه‌های غیر بومی استفاده شده در ترکیبات دوندوا/جفتی در زبان فارسی تقریباً از چهار زبان گرفته شده است و در زبان قرقیزی از شش زبان یا بیشتر گرفته شده است.

ترکیبات جفتی در زبان فارسی واژه‌های مشترک در یک حوزه‌ی معنایی هستند که به وسیله‌ی حرف اضافه و یا کسره‌ی اضافه با یکدیگر ترکیب می‌شوند و به وسیله‌ی تکرار کامل یا ناقص واژه‌ها ساخته می‌شوند.

در زبان قرقیزی واژه‌های جفتی به چند دسته‌ی واژه‌های جفتی دارای معنای کامل (هر دو جزء جفت‌واژه معنادار هستند)، با معنای کامل تاریخی و یا جفت‌های مترادف (یکی از دو جزء جفت‌واژه معنای سابق خود را از دست داده است)، جفت‌واژه‌های مکرر (در آن واژه عیناً تکرار می‌شود) و ناقص یا هم‌قافیه (یکی از واژه‌ها معنا ندارد) تقسیم می‌شود. ترکیبات جفتی در زبان فارسی و واژه‌های جفتی در زبان قرقیزی می‌توانند پایه‌ای برای ساخت جمله باشند و نتیجه‌ی کشش معنایی واژه‌های مترادف هستند.

شیوه نوشتار واژه‌های جفتی در زبان قرقیزی با خط فاصله (-) میان دو واژه است و در زبان فارسی اجزای ترکیبات جفتی به وسیله حرف عطف "و" به یکدیگر متصل می‌شوند.

## منابع

الف) فارسی

۱. انوری، حسن و احمدی گیوی، حسن، دستور زبان فارسی ۲، تهران، انتشارات فاطمی، ۱۳۸۵.
۲. بهار، محمدتقی، سبک‌شناسی یا تطور نثر فارسی، ج. ۱-۳، تهران، ۱۳۳۷.
۳. خواجه‌بهراد، بختیار، مریم، زبان و ادب فارسی (برای تدریس فارسی عمومی در دانشگاه)، شیراز: داستان سرا، چاپ پنجم: بهمن ۱۳۸۸، ص ۱۶-۱۵.
۴. رزم‌دیده، پریا "بررسی فرآیند واژه‌سازی ترکیب در گونه‌ی زبانی رودبار جنوب (اسلام-آباد)"، نشریه‌ی ادب و زبان دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان سال ۱۸، شماره ۳۸، پاییز و زمستان ۹۴.
۵. شقاقی، ویدا، مبانی صرف، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۶.
۶. عاصی، مصطفی و بدخشان، ابراهیم "رده‌بندی واژه‌های مرکب"، فصلنامه زبان و ادب پارسی، شماره ۴۶، زمستان ۱۳۸۹.
۷. همایون، همدخت، واژه‌نامه‌ی زبان‌شناسی و علوم وابسته، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۹.
۸. دستور زبان پارسی دکتر نوید فاضل: "هم‌پایگی و هم‌نشانی زنجیره‌ای"، سایت: [http://www.dastur.info/?page\\_id=158](http://www.dastur.info/?page_id=158)

## (ب) قرقیزی

9. Балтабаев Н. К., Кыргыз-фарсы сөздүгү. Бишкек: Турар, 2009.
10. Бакеев К., Бактыбаев У., Морфология кыргызского языка. Фрунзе, 1939.
11. Биялиев К. А., Кыргызский язык. Бишкек: Раритет Инфо, 2003.
12. Мусаев К. М., Лексикология тюркских языков. М.: Наука, 1984, с. 125.
13. Орузбаева Б. О., Кыргыз тил илиминин маанилүү маселелери. Бишкек: Илим, 1995.
14. Тыныстанов К., Биздин тил., Фрунзе, 1927.
15. Ураимов К. О., Развитие научно-теоретических взглядов в исследовании сложных слов в кыргызском языкознании., Вестник науки и образования №5 (17), 2016. (Электронный ресурс).

## (ج) روسی

16. Арендс А.К., Краткий синтаксис современного персидского литературного языка. М.-Л., 1941.
17. Батманов А. И., Источники формирования тюркских языков Средней Азии и Южной Сибири. Фрунзе, Илим, 1966.
18. Восточное языкознание. М.: Восточная литература., 2003.
19. Овчинникова И. К. и др., Русско – персидский словарь. Мешхед, Джаведане херад, 2003.
20. Пейсиков Л.С., Вопросы синтаксиса персидского языка. М., 1959.
21. Пейсиков Л.С., Лексикология современного персидского языка. М., 1975.
22. Рубинчик Ю.А., Основы фразеологии персидского языка. М., 1981.
23. Рубинчик Ю.А., Грамматика современного персидского литературного языка. М., 2001.
24. Рубинчик Ю.А. И др., Персидско - русский словарь. Тегеран, Перска, 2012.
25. Сейитхалилова Ф.Д., Свободные копулятивные сочетания в произведении Садека Хедаята «Слепая сова», Ученые записки Таврического национального Университета им. Вернадского. Серия «Филология. Социальные коммуникации». Том 26 (65)., №1, ч.1, 2013, с 419-123.
26. Талыбова С.Э. Копулятивные словосочетания в персидском языке., Канд. дис. М., 2002.
27. Талыбова С.Э. Свободные копулятивные словосочетания в современном персидском языке., с 282-289, Восточное языкознание., М., 2003.

## (د) انگلیسی

28. Javad Hayatdavoudi, A Contrastive Investigation of English and Persian Compounds: Implication for EFL Instruction, Higher Education of Social Science, Vol. 1, No. 1, 2011, pp. 53-57, <http://cscanada.net/index.php/hess/article/view/j.hess.1927024020110101.050>

